

«زن و مطالعات خانواده»

سال نهم - شماره سی و پنجم - بهار 1396

ص ص: 119-154

تاریخ دریافت: 95/07/26

تاریخ پذیرش: 95/12/08

جهانی شدن و تحولات جمعیتی خانواده ایرانی

سیده زهرا میرمحمد رضائی¹
دکتر باقر ساروخانی^{2*}
دکتر حسن سرایی³

چکیده

جهانی شدن پدیده‌ای است چند بعدی که هر یک از ابعاد آن می‌تواند بر نهاد خانواده تأثیرگذار باشد. خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است. از آنجاییکه شناخت جهانی شدن و تأثیرات آن می‌تواند در بهره‌گیری از فرصت‌های مثبت و برخورد مناسب با چالش‌ها موثر باشد لازم است نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی به عنوان ساخت عینی در شکل‌گیری ساخت‌های ذهنی در جامعه و نهاد خانواده مهم تلقی شود. این مطالعه با هدف شناسایی تأثیر تغییر پذیرترین ابعاد جمعیتی خانواده ایرانی در مواجهه با جهانی شدن و دستیابی به درک جامع از تغییرات جمعیتی خانواده تدوین شده است. بر همین اساس با استفاده از روش اسنادی و تحلیل ثانویه آماری به بررسی تحولات خانواده و نقش جهانی شدن در این تحولات پرداختیم. یافته‌ها بیانگر این است که اگر چه در اکثر کشورهای جهان تغییراتی در خانواده بوقوع پیوسته است که بیانگر تغییر خانواده‌ها با شرایط اقتصادی و محیطی در سراسر جهان است و خانواده ایرانی متأثر از جهانی شدن در ابعاد جمعیتی تحولات بسیاری را تجربه کرده است، عوامل محلی را نیز نباید از نظر دور داشت زیرا شاهد مقاومت فرهنگ‌های محلی و خانواده‌های ایرانی در برابر برخی تغییرات در برابر فشار جهانی شدن هستیم.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، تحولات جمعیتی، خانواده ایرانی، تحلیل آماری.

1- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mirmohammadrezaei@yahoo.com

2- استادگروه جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤؤل) b.saroukhani@yahoo.com

3- استاد گروه جامعه‌شناسایی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. hsaraie@yahoo.com

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری می‌باشد

مقدمه

در این موضوع تردیدی نیست که تحول خانواده یکی از مسائل و موضوعات مهم در دنیای معاصر است. تغییرات خانواده همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بوده است. این در حالی است که خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است. پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که تغییر جوامع، ماهیت خانواده را تغییر داده است. لذا نمی‌توان از خانواده به عنوان یک امر تغییر ناپذیر و ایستا صحبت کرد. دگرگونی در خانواده موجب تحول در «مسیر زندگی» و «تجربه زیستی» تک‌انسانها شده است. جهانی شدن و تجدد به دلیل واسطه‌هایی، چون سواد، شهرنشینی، میزان مسافرتها‌های خارجی و تکنولوژیهای نوین ارتباطی، تحول را در نهاد خانواده پذیرا می‌کنند و در یک تقابل دیالکتیکی بین سنت و تجدد، الزام اجتماعی کاهش می‌یابد؛ در نتیجه هنجارهای سنتی نیز به شدت تضعیف می‌شوند (علی احمدی و کریم سرا، 1392).

در جامعه معاصر، جهانی شدن به طور مستقیم و غیر مستقیم بر زندگی خانوادگی از طریق استراتژی‌ها و برنامه‌های ایجاد شده توسط سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی تاثیر می‌گذارد. خانواده ایرانی در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی تغییرات بنیادی تری یافته است. کمتر کسی است که باور به تغییرات خانواده نداشته باشد. شواهد آماری، اجتماعی و فرهنگی بیانگر افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری، افزایش انتظار از زندگی، کاهش درخواست فرزند خواهی و... همه حکایت از تغییر در خانواده دارد (لبیبی، 1393: 57).

شروع تغییرات و تحولات فرهنگی در طی دهه‌های اخیر اذهان بسیاری از متفکرین و مسئولین را متوجه این سوال کرده است که وضعیت عناصر سنتی نظام فرهنگی جامعه ایرانی در حال حاضر چگونه است؟ متفکران عرصه اجتماعی بر این باورند که تغییرات نظام اجتماعی و دگرگونی‌های ارزشی، در محدوده زمانی، اصلاً ملموس نیست اما با گذشت زمانی نه چندان طولانی مردم و مسئولین جامعه متوجه می‌شوند که کجا بوده‌اند و اکنون کجا هستند. (شکریگی، 1390: 109).

شاید هیچ عاملی به اندازه ی خانواده از تحولات جمعیتی تاثیر نپذیرد، به گونه ای که با تحولات تدریجی جمعیت، نهاد خانواده نیز متحول می‌شود. بر همین اساس، خانواده که نهادی است اجتماعی، تحت تاثیر فرایند جهانی شدن، تحولاتی را تجربه

کرده که آن را در تعارض با خانواده سنتی قرار داده است. با توجه به انتقال تغییرات از جوامع اروپایی به ایران در پی یافتن این سوال هستیم که آیا خانواده ایرانی همان فرایند های تحولی را که در کشورهای اروپایی شاهد هستیم، تجربه می کند و یا مسیری دیگر از این تحولات را در پیش گرفته است؟ خانواده معاصر، از جمله خانواده ایرانی، چه تغییرات جمعیتی را در فرایند جهانی شدن تجربه کرده است و چه چالشها و فرصت هایی برای آن ایجاد شده است؟

اهمیت و ضرورت نهاد خانواده در پژوهش های مختلفی از نظر پاسخگویان بیان شده است، اگر به بررسی یافته های پیمایش در 28 استان کشور با عنوان «ارزشها و نگرشهای ایرانیان» که در پائیز 1380 صورت گرفت و بیانگر اهمیت نهاد خانواده از دید مردم ایران است، نگاهی به درصدها بیندازیم متوجه اهمیت این نهاد دیرپا و صمیمی در ایران می شویم. در پاسخ به این سؤال که نهاد خانواده چقدر برای شما اهمیت دارد، نتایج نشان دهنده این است که در شهرهای (اراک، 97/6)، (اردبیل، 97/1)، (ارومیه، 98)، (اصفهان، 96/2)، (اهواز، 97/5)، (ایلام، 98/2) خانواده دارای اهمیت است، سایر نتایج به دست آمده هم، مشابه درصدهای فوق می باشد که نشان دهنده اهمیت نهاد خانواده از دید مردم ایران است و اینکه حفظ کیان آن از هر چیزی مهمتر به نظر می رسد، چرا که نهاد خانواده همچنان اهمیت خود را با (حدود 99 درصد) از دیدگاه مردم ایران حفظ کرده است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1380)

تغییر و تحولاتی که در غرب به مثابه مدرنیته و جهانی شدن اتفاق افتاده است، پیامدهایی را از طریق دنیای اطلاعات و ارتباطات بر سایر نقاط دیگر جهان به جای گذاشته است و چون همه ی این تحولات از درون نیست و به جوامعی که وارد می شود، فرهنگ سازی نشده، بحران هایی را در زندگی مردم جهان بوجود آورده است و در این میان، جامعه ایران نیز از این تحولات دور نبوده است. به نظر می رسد در ایران زندگی فرهنگی بیش از سایر حوزه های زندگی اجتماعی، تغییراتی را از سر گذرانده و بعضی تحولات اجتماعی راه را برای ظهور گروه های اجتماعی با جهان بینی متفاوت و خواسته های متنوع باز کرده است (شکر بیگی، 1390:107).

بالتبع این تحول و دگرگونی به دلیل فرهنگی بودنش بیش از همه جا اثر خود را در کانون خانواده به جای می گذارد. از آنجاییکه هر نوع تغییری در جامعه ایرانی ریشه در خانواده دارد. اصلی ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایران، یا به واسطه خانواده محقق

شده یا اینکه جهت گیری آن معطوف به خانواده بوده است. از طرفی خانواده بیش از دیگر نهادهای اجتماعی متاثر از جریان تغییرات جامعه است (ارمکی، 1386: 3).

دیوید چپل می‌گوید: خانواده دقیق‌ترین و شفاف‌ترین نهاد اجتماعی است که حوادث بزرگ و تاریخی جهان را انعکاس می‌دهد. به اعتقاد گوروپیچ، خانواده پدیده‌ای است که هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از فراگردهای «ساخته شدن»، «از ساخت افتادن» و «بازساختی شدن» برخوردار است. با گذشت زمان و ورود ایران به مرحله‌ای خاص از پیشرفت و با عنایت به پیامدهای ناخواسته جهانی شدن، ضرورت توجه به وضعیت خانواده ایرانی بیش‌تر مشخص می‌شود زیرا، اولاً، شاهد باقی ماندن برخی از هنجارهای الگوی سنتی خانواده که بعضاً ناهماهنگ و نامتجانس با تغییرات جدید بوده، می‌باشیم. خانواده ایرانی پس از تحولات ناشی از مدرن شدن و فرایند جهانی شدن در بستر جامعه، تغییراتی را تجربه کرد که از نظر ابعاد، سرعت تغییرات، سنخیت، تجانس، پیچیدگی و مقاومت عناصر سنتی بر جای مانده از خانواده پدرسالار، با تحولات کلی جامعه همسو بود. پس از وقوع و تاثیر این تغییرات، آسیب‌ها و مسائلی در خانواده و به تبع آن در جامعه ایجاد شده که لازم است برای پیشگیری از تشدید یا مقابله با آنها، ماهیت تغییرات خانواده، ابعاد و پیامدهای آن بازشناسی شود. ثانیاً، شاهد غفلت در اتخاذ الگویی مناسب برای تحلیل و سیاست‌گذاری‌های مقتضی با نهاد خانواده ایرانی هستیم. الگویی که در مواجهه با واقعیت‌ها و مسائل موجود در خانواده ایرانی از کفایت ذهنی و عینی مناسبی برخوردار باشد و با تحولات اخیر جامعه ایران نیز هم‌سویی بیش‌تری داشته باشد. به نظر می‌رسد معرفی الگوی مناسب، زمانی میسر خواهد بود که نخست بتوان سیمای جامعه شناختی کنونی ایرانی را بازنمایی کرد (لیبی، 1393: 186).

از سویی منشاء اصلی در توجه به مطالعه خانواده به اهمیت این نهاد اجتماعی در ایران و ضرورت تحلیل جامعه شناختی ایرانی باز می‌گردد. اهمیتی که مسائلی چون خانواده در حیات ایرانی دارد، می‌تواند دغدغه جامعه‌شناسان ایرانی برای شناسایی بهتر جامعه ایرانی باشد. بررسی خانواده ایرانی بدون درک جامعه جدید متاثر از فرایند جهانی شدن بی‌معنی است. مطالعه خانواده در ایران از ابعاد گوناگون اهمیت دارد. آنچه در پی بیان آن هستیم، نحوه ساختن جامعه ایرانی از دریچه خانواده است. بدین لحاظ باید از خانواده و جامعه ایرانی و تطور آنها با توجه به وضعیت جهانی شدن و تاثیر آن در جامعه و خانواده ایرانی سخن به میان آید (ارمکی، 1386: 7).

بنابراین از آنجاییکه شناخت جهانی شدن و تاثیرات آن می تواند در بهره گیری از فرصت های مثبت و برخورد مناسب با چالش ها موثر باشد لازم است نقش متغیرهای جمعیت شناختی به عنوان ساخت عینی در شکل گیری ساخت های ذهنی در جامعه و نهاد خانواده مهم تلقی شود.

اهداف تحقیق

- شناسایی تاثیر تغییر پذیرترین ابعاد جمعیتی خانواده ایرانی در مواجهه با جهانی شدن
- دستیابی به درک جامع از تغییرات جمعیتی خانواده و راهکارهای اجرایی جهت پیشگیری از آسیب های این تغییرات

تعریف خانواده

خانواده در زمره عمومی ترین سازمانهای اجتماعی است و بر اساس ازدواج بین دست کم دو جنس مخالف شکل می گیرد. و در آن مناسبات خونی واقعی یا اسناد یافته به چشم می خورد (ساروخانی، 131:1379). خانواده در این مطالعه به مثابه نظامی اجتماعی است و به طور خلاصه، می توان تعریف کارتر و مک گلاریک را از خانواده نقل کرد که گفته اند: «خانواده نظامی است که در خلال زمان حرکت می کند» (کارتر، 6:1989). این تعریف از این حیث اهمیت دارد، که به خانواده به مثابه پدیده ای پویا نظر افکنده است. هر گاه خانواده را در یک گروه ببینیم و تصویری ایستا از ماهیت خانواده داشته باشیم، دچار اشتباه خواهیم شد چون برخلاف سایر گروه های اجتماعی که اغلب دارای یک هدف و حیات در طول زمانی کوتاه هستند، خانواده گروهی است پایدار با اهداف بسیار متنوع.

جهانی شدن تعاریف و تعابیر گوناگونی از جهانی شدن و مسائل آن به عمل آمده است، مانند فشردگی زمان و فضا، جامعه اطلاعات محور، دهکده جهانی، فرایند غربی کردن جهان، آگاهی از کلیت جهانی، همبستگی جهانی واقعی، جهانی جهانی، عینی و ذهنی و غیره. اما به طور کلی می توان گفت که: «جهانی شدن، عبارت است از فرایند فشردگی فزاینده ی زمان و فضا که به واسطه ی آن مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه ی جهانی واحد ادغام می شوند» (گل محمدی، 20:1389).

جهانی شدن، روندی از دگرگونی است که از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و علم، فرهنگ و شیوه زندگی را نیز در برمی‌گیرد. جهانی شدن پدیده‌ای چندبعدی و قابل تسری به جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی است (دهشیری، 22:1393). گیدنز کوتاه‌ترین تعریف ممکن از جهانی شدن را ارائه می‌دهد: «فرایند به هم وابستگی روز افزون ما». در تعریف گیدنز از جهانی شدن نهادهای جدید نقش ممتازی دارند. وی جهانی شدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که باعث می‌شود هر روز تعداد بیشتری از مردم در شرایطی زندگی کنند که در آن نهادهای جدید و «از جا کنده شده»¹ جنبه‌های اساسی زندگی روزمره را انتظام می‌بخشند. ویژگی این نهادهای جدید این است که جریان‌های بومی را با روابط اجتماعی جهانی پیوند می‌دهد (جلایی پور، 38:1388). آنتونی مک‌گرو می‌گوید جهانی شدن یعنی افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی فراتر از جوامع دامن می‌گستراند و نظام جدید جهانی می‌سازد. (به نقل از؛ کومسا، 183:1378 و هلد و گرو، 1382). امانوئل کاستلز نیز با اشاره به عصر اطلاعات² جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، پهنه اقتصادی، جامعه و فرهنگ را در برمی‌گیرد. (همان، به نقل از قرلسفلی، 144:1379). مالکوم واترز³ نیز جهانی شدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌گردند (پهکیش و پرهیزگار، 1379). هاروی (1998) جهانی شدن را متضمن دو عنصر «فشرده‌گی در زمان و مکان» و «کاستن از فاصله‌ها» می‌داند. به نظر «هلد» بررسی‌های مربوط به تغییرات اجتماعی توأم با بحث جهانی شدن بوده اند (هلد، 2000: 7).

جهانی شدن و تحولات خانواده. گرنسهایم⁴ معتقد است خانواده در دنیای امروز با چنان تحول عظیمی روبرو شده است که بسیاری از نظریه‌های دهه‌های گذشته را بی‌فایده و بی‌اثر ساخته است. او خانواده را در چارچوب سایر تحولات اجتماعی مطالعه می‌کند و از آنجا که معتقد است جهان با شتاب روزافزون به سوی یکپارچه شدن پیش می‌رود، بنابراین خانواده نیز در این مجموعه تحولاتی گسترده را تجربه خواهد کرد و به

1- disembedded

2-The information Age

3-Malcom Waters

4- Gernsheim

قول او در دنیای جهانی شده امروز با خانواده‌هایی فراملیتی روبرو هستیم و اگر این نگاه را عمیق‌تر سازیم حتی در درون جوامع نیز نوعی ارتقاء کیفی در کنار پراکندگی کمی در خانواده‌ها مشاهده می‌شود. به عقیده گرنسهایم تاثیر جهانی شدن بر زندگی خانوادگی تنها محدود به موضوعات اقتصادی نیست. جهانی شدن اگر چه باعث تحولات بزرگی در زمینه فناوری شده است اما واقعیت این است که همین پدیده موجب رشد بیکاری در بسیاری از کشورهای جهان شده و افراد ناچار می‌شوند برای پیدا کردن شغل به شهری دیگر بروند و در چنین شرایطی داشتن فرزند بسیار دشوار است. همین مسائل باعث می‌شود اصلاً به ازدواج فکر نکنند یا بسیار با احتیاط در این زمینه قدم بردارند (گرنسهایم، 2013).

او معتقد است مردسالاری عمومی شکل مسلط جوامع غربی امروزی است اما هنوز هم مردسالاری خصوصی در بسیاری از مناطق به حیات خود ادامه می‌دهد. در دنیای جهانی شده، انگار کسی می‌گوید: اگر واقعاً عاشق خانواده خود هستید باید آنها را ترک کنید. بدین ترتیب شیوه نوینی از مادر بودن معنا پیدا می‌کند که به آن مادر بودن فراملیتی گفته می‌شود. این تحولات باعث ایجاد زنجیره‌های مراقبت جهانی می‌شود که بر اساس روابط بین افراد در کشورها و مناطق مختلف شکل می‌گیرد (لیبی، 1393: 659-658).

دیوید چیل¹ معتقد است خانواده که زمانی با همیاری و همکاری و بازتولید نسلی و زندگی در محیطی مشترک شناخته می‌شد اینک دستخوش تحولاتی عظیم گردیده است. در دنیای امروز خانواده‌های تک‌والد به سرعت در حال گسترش اند و زندگی هم‌بالینی از صورتی محدود به شکلی آشنا تبدیل شده است. سالخورده‌گی جمعیت در کنار کاهش میزان باروری، جایگزینی طبیعی جمعیت را با مشکل مواجه کرده و دولت‌ها را به دخالت در خصوصی‌ترین امور خانواده واداشته است. از دیگر مسائلی که در دنیای امروز حائز اهمیت است به تأخیر افتادن سن ازدواج است. این تأخیر که در گذشته شاخصی در کشورهای غربی محسوب می‌شد اینک به سایر کشورها نیز سرایت کرده و آن‌گونه که هیتون نشان داده بسیاری از کشورهای اسلامی نیز اینک با پدیده تأخیر سن ازدواج روبرو هستند (چیل، 1388: 24-21).

وایدمر نیز تحول خانواده را از مرحله سنت به مدرنیته می‌داند اما اینک شاهد دوران پسامدرنیته هستیم و باید ویژگی‌های خانواده در این عصر را مورد مطالعه قرار دهیم. به عقیده او این تحولات بصورت یکسان در تمامی جوامع روی نداده است بطوریکه در بخش‌هایی از جهان شاهد حضور قدرتمند خانواده‌های سنتی، در بخش‌هایی دیگر خانواده‌های مدرن و در نهایت در بخش سوم شاهد شکل‌گیری خانواده‌هایی هستیم که باید آنها را خانواده‌های تفرودی در دوران پسامدرنیته نامید. بنابراین مطالعه تحول خانواده در جهان یعنی تحول خانواده را نقطه به نقطه و مرحله به مرحله نگریستن نه اینکه حکمی کلی درباره آن صادر کردن و به نتیجه‌ای قطعی رسیدن (لبیبی، 1393: 659-658).

گیدنز از جمله صاحب نظرانی است که مباحث نظری فراوانی را در باب تحول، دگرگونی، تغییرشکل و تنوع اشکال خانواده در عصر مدرن مطرح نموده است. گیدنز درباره تحول خانواده دوره جدید معتقد است که «امروزه در کشورهای غربی و به طور فزاینده ای در کشورهای دیگر جهان، خانواده دیگر یک واحد اقتصادی نیست، بلکه مجموعه ای از پیوندهاست که بیشتر براساس ارتباط و خصوصاً ارتباط عاطفی شکل گرفته است؛ درحالی که در گذشته، خانواده، قبل از هرچیز، یک واحد اقتصادی بوده و پیوندها در زندگی خانوادگی بیشتر از هر چیز به علل اقتصادی و گاهی دلایل استراتژیک شکل می‌گرفته است» (گیدنز، 1384: 123).

از دیدگاه گیدنز جهانی شدن پدیده‌ای است چند بعدی که هر یک از ابعاد آن می‌تواند بر نهاد خانواده به عنوان نهادی اجتماعی تاثیرگذار باشد. یکی از عمده‌ترین تاثیرات جهانی شدن در نهاد خانواده، دگرگونی نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده‌ی اعضای خانواده است (گیدنز: 1379، 1382: 55-56؛ تافلر: 1372: 280-308).

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی در فرآیند جهانی شدن دچار تناقضات روز افزون می‌شود. در یکسو ضرورت مشارکت اقتصادی زنان در خانواده و در سوی دیگر تمایلات مادر بودن و بچه‌دار شدن قرار دارد که این دو در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند (ترنز، 1381: 294). در این میان حضور گسترده‌ی زنان شاغل، در زندگی اجتماعی، تغییر و تنوع شکل‌های ازدواج در جوامع غربی، تنزل جایگاه ازدواج در شکل سنتی آن و ظهور پدیده‌ای به نام تاخیر در ازدواج، جایگزینی نقش‌های اکتسابی به جای نقش‌های محول برای زنان در فضای فرهنگی و کاهش فرزندآوری و عزیز نگه داشتن فرزندان و همچنین کاهش تاثیر ازدواج در فرایند هویت‌یابی از پیامدهای تغییر نقش در عصر

جهانی شده است (گیدنز: 1379، 55-56:1382؛ تافلر: 280-308:1372) همچنین امروزه خانواده شاهد ظهور الگوهای جدید ازدواج، خانواده و نوع روابط جنسی است که به تعبیر اندیشمندانی همچون گیدنز، در حال گسترش و جهانی شدند. (گیدنز: 1382، کایرنان: 2004:18-24).

از دیگر ابعاد جهانی شدن، وجود ارتباط سالم و دوطرفه، تساوی در روابط، اعتماد متقابل در روابط، مشارکت جمعی و فقدان خشونت از ویژگیهای دموکراسی محسوب می شوند که با گسترش جهانی شدن، روابط و الگوهای خانوادگی را تحت تأثیر خود قرار داده اند. بروز پدیده ای به نام دموکراسی عاطفی در روابط جدید خانوادگی از نتایج جنبی جهانی شدن است که در آن زندگی خانوادگی و احساسات بر مبنای شاخص های دموکراتیک شکل می گیرد و به دموکراتیک شدن روابط اجتماعی در سطوح مختلف منجر می شود. نظریه پردازان معتقدند که وجود دموکراسی در روابط خانوادگی به استحکام خانواده در حوزه ی خصوصی و در نهایت، به استحکام بنیانهای جامع های مبتنی بر مشارکت جمعی در حوزه ی عمومی منجر خواهد شد (گیدنز، 1379: 93-96 و 1382:56).

نظریه گذار جمعیتی: گذار جمعیت‌شناختی یکی از موضوعات عمده در مطالعات جمعیتی است. این نظریه مبتنی بر مطالعاتی است که لستهاق و وان دی کا در دهه‌ی 1980 (1358) در زمینه‌ی باروری زیر سطح جایگزینی ابتدا در هلند و بلژیک و بعدها در سایر کشورهای اروپای شمالی و غربی و ایالات متحده صورت دادند (سرای 1387: 120). از لحاظ پدیده شناسی، گذار جمعیتی اول را باید نتیجه تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانست و از سوی دیگر خود منشاء آثار و نتایج اقتصادی و اجتماعی است. گذار جمعیتی اول پس از بررسی تغییرات جمعیتی در کشورهای توسعه یافته امروزی شکل گرفت (ویکس، 1385: 112). همچنین، «گذار جمعیتی دوم به تغییرات زناشویی و تشکیل خانواده اشاره دارد. این تغییرات شامل کاهش میل به تشکیل خانواده و ازدواج، افزایش تشکیل زندگی بدون ازدواج، کاهش عمومی در باروری، افزایش مولید خارج از ازدواج، افزایش طلاق، تأخیر در ازدواج و فرزندآوری است» (هویم و دورا، 2008: 3).

بنابراین گذار جمعیتی اول باعث کاهش بعد خانواده ها شد. کاهش بعد خانواده پیامدهای جمعیتی و اجتماعی به همراه داشته است که این پیامدها زمینه را برای

تغییرات ذهنی خانواده فراهم آورده است. تغییرات ذهنی ناشی از گذار جمعیتی اول به تدریج باعث تغییراتی در زندگی زناشویی و خانوادگی شد، این تغییرات گذار جمعیتی دوم نامیده می شود. بطور کلی می توان گفت گذار جمعیتی اول و دوم تغییراتی را در ساخت خانواده و روابط بین اعضای خانواده بوجود آورده است.

به باور برخی اندیشمندان (لستهاق، ون دوکا و سوروکین، 2008، سرایی 1385) در گذار جمعیتی دوم، تغییراتی را در سطح جامعه و ملازم با آن، در سطح خانواده در کشورهای پیشرفته و حتی در برخی کشورهای در حال توسعه شاهد هستیم. به اعتقاد این افراد، تغییرات در خانواده به دنبال مجموعه‌ای از تغییرات جامعه و تغییرات در جامعه به دنبال تغییرات اساسی در تکنولوژی و روند جهانی شدن اتفاق افتاده است.

تغییر در جوامع غیر غربی از جمله ایران علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و تحت تأثیر جهانی شدن چشمگیر است، تغییر از خانواده گسترده به هسته‌ای، استقلال جوانان در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، مجرد گسترده، تغییر باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل شده و تغییر در تعداد فرزندان و... با توجه به تأثیرپذیری گروه‌های مختلف از تأثیرات جهانی شدن که تغییرات را ناهمزمان و ناهمسان نموده است، تئوری گذار جمعیتی دوم در ایران را باید بکار گرفت از طرفی تنها موردی که در کشور ما نسبت به دیگر تغییرات کمتر اتفاق افتاده است وجود خانواده‌های هم‌باشی و باروری‌های خارج از ازدواج است. در این رابطه باید به نقش شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر کشور در الگوی تغییراتی که در سطح جهان در حال طی شدن است اشاره نماییم. در هر کشوری تغییرات متأثر از ارزش‌ها و هنجارهای آن کشور جهت می‌یابند. ایران در مقایسه با سایر کشورها شرایط جمعیت‌شناختی متفاوتی دارد، حتی در سطوح استانی در داخل کشور نیز می‌توان سطوح و روندهای جمعیت‌شناختی متفاوتی را مشاهده نمود. باروری کشور به زیر سطح جایگزینی کاهش یافته است و این موضوع در بین استان‌ها کاملاً وضعیت متفاوتی را دارد. در کشور سن ازدواج و فرزندآوری افزایش داشته و میزان طلاق نیز رو به افزایش است. ولی کماکان ازدواج از عمومیت بالایی برخوردار است و روابط خارج از ازدواج و هم‌خانگی‌ها در سطوح معناداری وجود ندارند.

پیشینه داخلی و خارجی: در بررسی تجربی تحقیق آثار ارزشمندی بدست آمد که از میان می توان به پژوهش احمدی، قاسمی و کاظمی‌پور (1391) با عنوان «بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه شناختی خانواده» به طریق آزمون داده‌های ثانویه به

بررسی ساختار خانواده پرداخته و روند گذار جمعیتی دوم را تک خطی نمی داند و آنرا برحسب ساختار فرهنگی کشورها متفاوت میدانند.

قربان حسینی و محمود مشفق (1393) با بررسی «تاثیر جهانی شدن بر سن ازدواج» تغییر الگوهای بومی و سنتی همسر یابی و ازدواج را بر اثر جهانی شدن بدست آوردند. همچنین حسن سرایی (1386) در مقاله «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران» با مروری بر تغییرات خانواده و تاکید بر عوامل درونی (محلی) و عوامل بیرونی (جهانی شدن)، تغییرات خانواده را به سوی خانواده هسته‌ای با آسیب پذیری بیشتر، افزایش سن ازدواج و تقلیل در سطح فرزندآوری می داند.

جانسون هنک (2012) و همکاران در مقاله ای با عنوان «درک تغییرات و تنوعات خانواده» تغییر نرخ باروری را در سطح جهانی بررسی نمودند و برای یافتن چارچوب نظری و روش شناسی جدید برای تغییرات باروری و خانواده در زمینه اجتماعی آن پیشنهاداتی ارائه نمودند. وارن و همکاران (2001) در مطالعه خود تحت عنوان «جهانی شدن، ساختار خانواده، و کاهش باروری در جهان در حال توسعه» کاهش باروری، افزایش سن ازدواج، بی ثباتی خانواده و اشتغال زنان را تغییرات ایجاد شده در خانواده ها در کشورهای در حال توسعه به سبک غربی دانسته و به دلیل تغییر اقتصاد در جهان باعث کاهش اهمیت فرزند، شیوه های سنتی همسر گزینی و مراسم ازدواج، استقلال زنان و برابری فرصتها برای آنان می گردد.

سوزان بیانچی (2014) در مقاله «چشم انداز جمعیتی تغییرات خانواده» بر نقش جمع آوری داده های جمعیت شناسی در آگاه نمودن تغییرات خانواده ها، ارائه راهکارهای تئوریک و روش شناختی برای جمع آوری اطلاعات جمعیتی در آینده بویژه در خصوص روابط بین نسلی، روابط خانوادگی و اشکال جدید خانواده تاکید نمودند.

عباسی شوازی و مک دونالد (2008) در بررسی خود تحت عنوان «تغییر خانواده در ایران، مذهب، انقلاب و دولت» پویایی ها و تغییرات خانواده در ایران قرن بیستم بویژه قبل و بعد از انقلاب را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند گرچه ظهور باروری پایین و تأخیر ازدواج از پدیده جهانی شدن تاثیر می پذیرد اما در زمینه گسترش رفتارهای غربی از قبیل زوج زیستی خارج از ازدواج و تولد و فرزندآوری قبل از ازدواج در بین خانواده های ایرانی شواهدی یافت نشده است و این امر جهان محلی شدن را می رساند.

بطور کلی می توان گفت برخی محققان همچون جعفری (82)، کنعانی (85)، محمودیان (83)، گوئیز مبینگ و هالمن (2003)، مجدالدین (86) بر افزایش سن ازدواج، عباسی شوازی و ترابی (85)، عباسی شوازی، مک دونالدو، حسینی، چاووشی (2008)، عباسی شوازی و صادقی (84)، بر تغییر الگوهای ازدواج خویشاوندی، عباسی شوازی و دیگران (81)، عباسی شوازی و عسگری ندوشن (84)، عباسی شوازی، مک دونالد، حسینی، چاووشی و کاوه فیروز (81)، بر تغییر الگوی بارداری توجه کرده اند.

ابزا و روش

مطالعه حاضر به روش اسنادی و تحلیل ثانویه آماری به بررسی تحولات خانواده و نقش جهانی شدن در این تحولات می پردازد، استفاده از این فن امری اجتناب ناپذیر است چرا که به منظور شناخت تحولات خانواده تحت تأثیر جهانی شدن ضروری است. از آنجایی که شناخت جامعه در مقیاس وسیع، تنها براساس «شناسایی آماری» می تواند استوار باشد، هنگامی که عکس العمل های فردی غیرقابل پیش بینی جمعیتی را گردآوری کنیم، به کشف رفتارهای کلی آن جمعیت می رسیم و در تجزیه و تحلیل های کلی رویدادها، شناسایی آماری قاطعیت خود را حفظ می کند (تقوی، 1378: 19). بدین منظور از مستندات بخش جمعیتی سازمان ملل و آمارهای جهانی، مرکز آمار ایران و ثبت احوال استفاده گردید زیرا مقایسه آمارهای جمعیتی چند سرشماری و آمارگیری، امکان مطالعه تحول و دگرگونی را در طول زمان فراهم می سازد.

تغییرات خانواده در سطح جهانی

هنگامی که از دیدگاه ملی به خانواده نگاه می کنیم می بینیم که تحول خانواده در راستای دست یابی به کیفیت مطلوب تر است، اما هنگامیکه از دیدگاه جهانی به خانواده نگاه می کنیم شرایط عوض می شود. تحولی که جهانی شدن موجب آن شده به اقتصاد یا سیاست محدود نمی شود بلکه تأثیر عمیقی بر خانواده دارد. در نتیجه ما دو تصویر متناقض خواهیم داشت، نخست از دیدگاه ملی و دوم از دیدگاه جهانی. حال می توانیم بگوئیم چرا دیدگاه ملی کافی نیست چون گمراه کننده، ناقص و تک بعدی است و باید خانواده را در هر کشوری با توجه به تحولات آن در سطح جهانی مورد مطالعه قرار دهند زیرا در غیر این صورت نتایج مطالعات آنان از اعتبار لازم برخوردار نیست (لیبی، 1393: 661).

تغییرات بنیادی ویژگی‌های جمعیت شناختی جوامع، دگرگونی‌های ساختاری عمیقی را بر نهاد خانواده تحمیل می‌کند. یافته‌های آماری مبین افزایش سن ازدواج در کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. میانگین سن ازدواج در کشورهای اسکاندیناوی (سوئد، دانمارک، نروژ و فنلاند) که در 1975 در حدود 25 سال بود، در سال 2000 به حدود 28 تا 30 سال افزایش پیدا کرده است. در سوئد حدود 28 درصد خانواده‌ها با ازدواج رسمی در کنار هم زندگی می‌کنند و در حدود 55 درصد افراد زندگی مشترک بدون ازدواج دارند. در دانمارک نیز آمارها نشان دهنده حدود 38 درصد ازدواج رسمی در مقابل 48 درصد زندگی مشترک بدون ازدواج است. این موارد حاکی از تغییر در الگوهای سنتی ازدواج است. پیامد این دگرگونی افزایش میزان تولد نوزادان در خارج از چارچوب ازدواج رسمی است. آمارها نشان می‌دهد که در ایسلند حدود 63 درصد، در سوئد 55 درصد، در نروژ 48 درصد، در آلمان 46 درصد و در دانمارک 44 درصد فرزندان متولد شده در 1999 در خارج از چارچوب رسمی تولد یافته‌اند. زندگی فرزندان جدا از والدین نیز از جمله پدیده‌های این جوامع در عصر جهانی شدن است. تمام این آمارها بیانگر ظهور الگوهای جدید ازدواج، خانواده، بچه داری و نوع رابطه جنسی است که به تعبیر اندیشمندانی همچون گیدنز، در حال گسترش و جهانی شدن اند (گیدنز، 1372؛ کیرنان، 2004: 18-24).

گزارش سازمان ملل متحد در 2011 نشان می‌دهد که میزان باروری در سطح جهان طی نیم قرن اخیر به حدود نصف تقلیل یافته است و به‌طور متوسط، از حدود پنج فرزند برای هر زن در اوایل دهه‌ی 1950 به حدود دو فرزند برای هر زن در اواخر دهه‌ی 2000 رسیده است. تغییر الگوهای فرزندآوری در دهه‌های اخیر به‌طور برجسته‌ای به بروز پدیده‌هایی همچون «خانواده‌های تک‌فرزند» و «بی‌فرزند» نیز منجر شده است. نتایج تحقیقی جامع تحت عنوان «روندهای تاریخی بی‌فرزندی» نشان داده است که در بسیاری از جوامع صنعتی، میزان بی‌فرزندی در بین زنانی که بعد از 1945 به دنیا آمدند، به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است، به‌طوری‌که حتی برخی پیش‌بینی‌های جمعیتی حاکی است که حدود یک پنجم جمعیت زنان در جوامع صنعتی بی‌فرزند باقی خواهند ماند (فروتن، 1393).

در دوره‌ی 2000-2005، از مجموع 192 کشور جهان تنها 56 کشور میزان باروری کل چهار فرزند یا بیشتر داشتند. پیش‌بینی شده است تا دوره‌ی 2045-2050، شمار این

کشورها به صفر برسد. در مقابل، 139 کشور میزان باروری کل کم‌تر از دو فرزند خواهند داشت (سازمان ملل متحد 2004الف). به تعبیر ویلسون (2001) « ما داریم به سمت دنیایی حرکت می‌کنیم که در آن هنجار باروری پایین از سوی فقرا و اغنیا یکسان تجربه می‌شود». بر این اساس، کالدول (2001) و ویلسون (2001) از جهانی‌شدن رفتارها و الگوهای باروری سخن می‌گویند.

از جمله ویژگی‌هایی که در عصر جهانی شدن پدیدار شده است این است که نقش عامل اقتصادی در خانواده‌ها و در فرایند تصمیم‌گیری در کانون خانوادگی جای خود را به پیوند‌های عاطفی داده است و تصمیمات مهم در خانواده، مانند تصمیم برای بچه‌دار شدن، بیشتر تصمیمی عاطفی محسوب می‌شود تا اقتصادی، زیرا با گسترش بازار آزاد در کشور های توسعه یافته و در حال توسعه، فرزند آوری و داشتن فرزند یک هزینه اقتصادی بزرگ است و به همین دلیل کاهش شدیدی در نرخ باروری در کشورهای اتحادیه اروپا مشاهده می‌شود. نرخ باروری در کشورهای اتحادیه اروپا بین سالهای 1970 تا 2000 به حدود نصف کاهش یافته است. این تغییرات حاکی از دگرگونی‌های عمیقی در ساختار نهاد خانواده است که تنها تحت تاثیر عوامل اقتصادی قرار ندارد، بلکه نشانه اهمیت روز افزون جنبه‌های عاطفی در تصمیم‌گیری برای بچه‌دار شدن در دوره‌ای است که گیدنز آنرا عصر ارزشمندی فرزند می‌نامد (گیدنز، 1382: 55؛ کیرنان، 2004: 22).

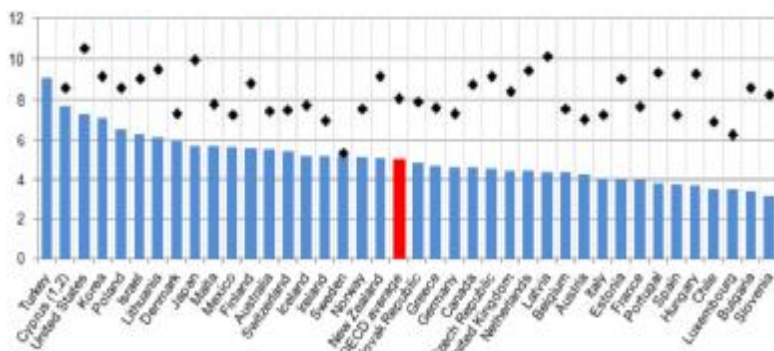
رسانه‌های فرا ملی که از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان، کارگزاران اصلی فرایند جهانی‌شدن به شمار می‌آیند، عامل اصلی ارائه فرهنگ جهانی و نسبی‌گرایی فرهنگی محسوب می‌شوند. فرهنگی که در آن ماده‌گرایی، مصرف‌گرایی، گسترش نمادهای مصرفی سرگرم‌کننده و عوام‌پسند، سکس و خشونت افراطی عرضه می‌شود که به اعتقاد برخی از نظریه پردازان، ارزشها، ثبات و همبستگی ارکان خانواده در شکل سنتی آن و مقوله ازدواج رسمی را در معرض تهدید جدی قرار داده است. این نظریه پردازان آمار بسیار بالایی طلاق در کشورهای پیشرفته غربی را، که مراحل بیشتری از جهانی شدن را طی کرده اند، و آمار بالایی فرزند متولد شده در خارج از چارچوب ازدواج رسمی در این جوامع را شواهدی در تایید مدعای خویش می‌دانند (راندل، 103: 1381-106).

حوزه دوم تغییرات خانواده، شامل کاهش باروری در جوامع دارای اقتصاد صنعتی بوده است. میزان پایین باروری کاملاً در حوزه توجهات جمعیت‌شناسان خانواده قرار دارد و شامل بافت‌های اقتصادی، اجتماعی و هنجاری متغیر خصوصاً (نقش‌های خانوادگی و

کاری) در حال تغییر زنان است. حوزه سوم تغییر خانواده در (خانواده میان نسلی) مشاهده می شود که شکل آن در حال تغییر است: دارای یک ساختار (هرمی)، با تعداد کمی پدر بزرگ و مادر بزرگ زنده و تعداد زیادی فرزند و نوه است و همچنین یک (خانواده داربستی) (بنگستون رزیتال و بورتون، 1990) با پدر بزرگ و مادر بزرگ بیشتر از والدین و به طور فزاینده ای والدین بیشتر از فرزندان. وقتی فرزندآوری به تعویق می افتد و کاهش می یابد، و کاهش مرگ و میر بزرگسالان منجر به تعداد کمتر کودکان نسبت به بزرگترها می شود، وقتی امید به زندگی بیشتر یعنی همزیستی خواهران و برادران و سالهای بیشتر با پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ بودن تقویت می شود، وقتی یک جمعیت سالمند ولی سالم استقلال بیشتر و در عین حال بقای بیشتری تا نهایت پیری دارند، تغییرات در ازدواج و طلاق و فرزند آوری تصویر میان نسلی را بغرنج می کند. در گروه هایی که در آنها ازدواج ها روز به روز آسیب پذیر تر می شوند پیوند های میان نسلی ممکن است در پیوند های هسته ای در پرورش کودکان برتری داشته باشند (بنگستون، 2001؛ بنگستون و همکاران، 1993: 107).

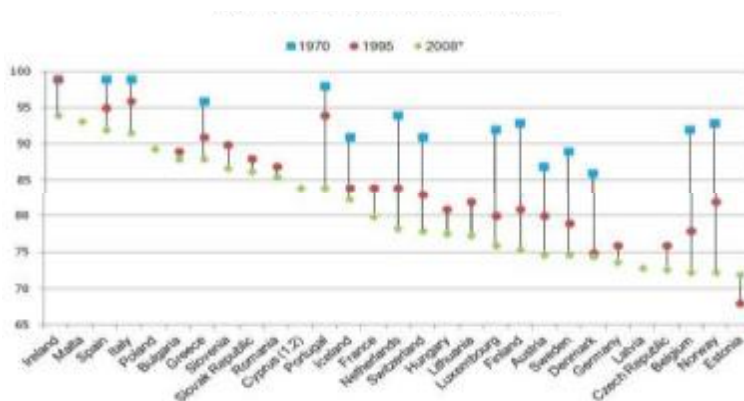
در نهایت افزایش مداوم در مشارکت نیروی کار زنان، به ویژه در میان زنان متاهل و کاهش فاصله در دستمزد، خانواده دو والدی، بافت فوق العاده متفاوتی را برای درک و تفسیر روندهای جمعیت شناختی خانواده ایجاد می کند (بیانچی، 2000، کاسپر و بیانچی، 2002). ارتباط متقابل میان استخدام زیاد زنان و تغییرات در تشکیل خانواده، باروری، مراقبت میان نسلی، و تقسیم جنسیتی کار در حوزه های غیر بازاری توجه زیادی را در آثار جمعیت شناختی خانواده به خود جلب کرده است که به هر دو اقتصاد توسعه یافته و در حال توسعه پرداخته است (بنگستون و همکاران، 1993: 181).

از آنجایی که خانواده مانند منشوری چند وجهی است که دارای ابعاد گوناگونی و متنوعی است و مطالعه ابعاد گوناگون آن (جمعیتی، حقوقی، محیطی، جنسیتی و...) در یک مقاله نمی گنجد سعی گردید تا با تمرکز بر بعضی از جنبه ها و تحولات ایجاد شده در آنها بویژه تحولات جمعیتی، تغییرات صورت گرفته در خانواده را مورد بررسی قرار داد. به طور کلی تحولات خانواده ها را در کشورهای مختلف می توان به طور خلاصه با نمودارهای ذیل اینگونه بیان کرد:



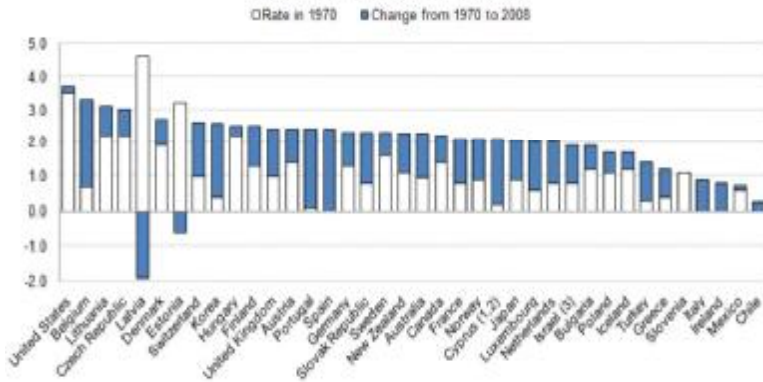
Source: Frank Furszenberg, University of Pennsylvania on Meeting on Family Policy Development, May, 2015

شکل شماره 1- کاهش نرخ خام ازدواج بین ساله ای 1970 و 2009



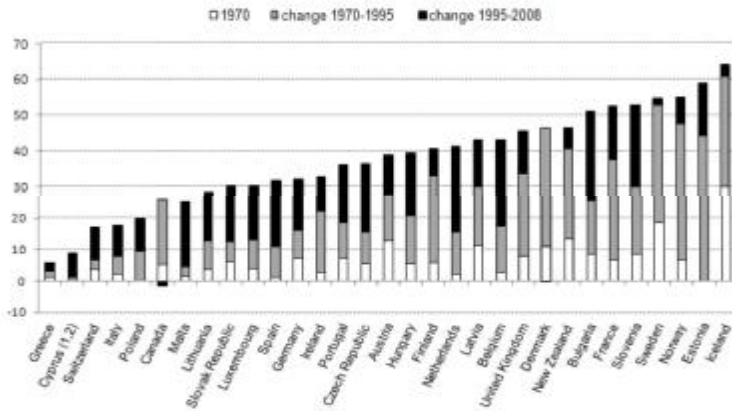
Source: Frank Furszenberg, University of Pennsylvania on Meeting on Family Policy Development, May, 2015

شکل شماره 2- نسبت ازدواج اول در سالهای 1970، 1995، 2008



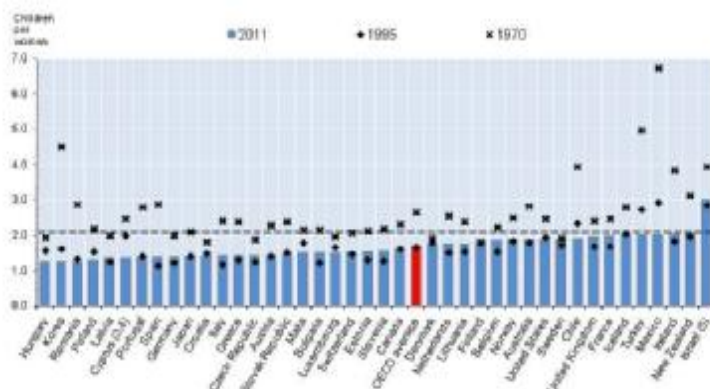
Source: Frank Furszenberg, University of Pennsylvania on Meeting on Family Policy Development, May, 2015

شکل شماره 3- افزایش نرخ خام طلاق از 1970 تا 2008



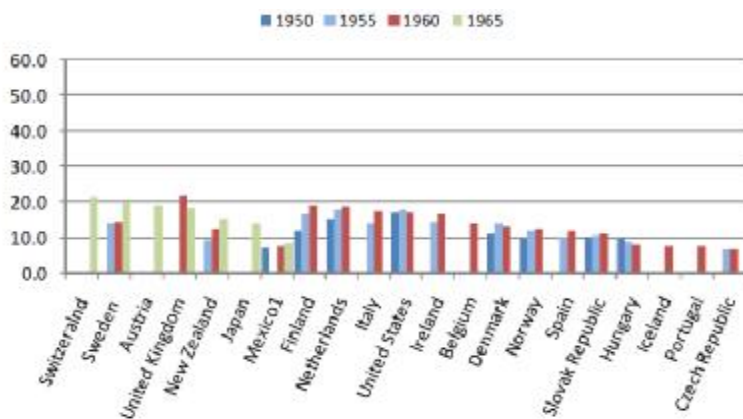
Source: Frank Furszenberg, University of Pennsylvania on Meeting on Family Policy Development, May, 2015

شکل شماره 4- تغییر در نسبت تولد خارج از ازدواج از 1970 تا 2009



Source: Frank Fursenberg, University of Pennsylvania on Meeting on Family Policy Development, May, 2015

شکل شماره 5- نرخ باروری در 1970، 1995 و 2011



Source: Frank Fursenberg, University of Pennsylvania on Meeting on Family Policy Development, May, 2015

شکل شماره 6- نسبت زنان بدون فرزند در سن 40 سالگی

با توجه به جداول فوق می توان گفت در اکثر کشورهای جهان تغییراتی در خانواده بوقوع پیوسته است که می توان آنها را چنین برشمرد:

الف) تغییرات خانواده در جهان

-ارتباط بین آغاز رابطه جنسی و ازدواج شکسته؛ به تعویق افتادن انتقال جمعیتی و انتقال بزرگسالان؛ تضعیف نهاد ازدواج و جایگزینی انواع اشکال جایگزین (بویژه زندگی مشترک بدون ازدواج)؛ از بین رفتن تقسیم نیروی کار برمبنای جنسیت؛ تاخیر در تشکیل خانواده و باروری کمتر؛ افزایش فرزندآوری بدون ازدواج؛ افزایش تفاوت‌های طبقه اجتماعی در خانواده در ایالات متحده، اروپا، و ملل انگلیسی زبان (ظهور خانواده دونفری)

ب) در پاسخ به چرایی تغییرات ایجاد شده در سراسر جهان در خانواده ها شاید بتوان گفت:

-خانواده ها با تغییر شرایط اقتصادی و محیطی سازگار می شوند؛ به زعم میلز تغییرات در جایی اتفاق می افتد که تضاد و تناقضات فرهنگی وجود دارد و سنت‌های مقدس دیگر مورد قرار نمی گیرد (میلز، 1962)؛ الگوی ازدواج بسیار قدیمی بر اثر تناقض‌ها غربال شده است؛ منطبق «ازدواج زود هنگام» اواخر دهه 1970 و اوایل دهه 1980 دیگر معنا ندارد.

تغییر و تحولات در خانواده ایرانی

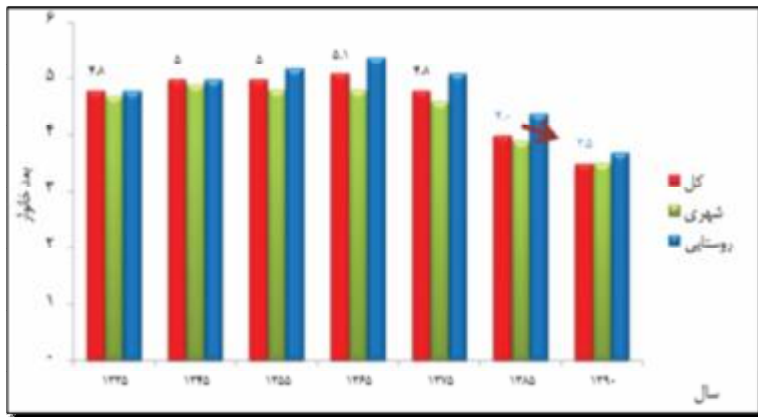
خانواده در مسیر تغییرات و دگرگونی‌های خود، اشکال متنوعی را به خود دیده است امروزه اعتقاد بر این است که خانواده ایرانی در سه شکل سنتی و مدرن و پست مدرن سیر دگرگونی و تغییر را طی کرده است و در غرب هر چه جلوتر می آید، نشانه‌های خانواده‌های سنتی و گسترده را کمتر می بینیم و حتی خانواده‌های مدرن هم با ورود نشانه‌های خانواده‌های پست مدرن با چالش مواجه شده‌اند. اما وضعیت در کشورهای پیرامون همچون ایران کمی متفاوت است، و آنگونه که خانواده در غرب دگرگون شده در ایران متفاوت تغییر کرده است. در ایران برخلاف غرب هنوز خانواده دارای اهمیت است و هنوز خانواده گسترده و سنتی در کنار سایر اشکال خانواده به حیات خود ادامه می دهند.

آخرین سرشماری نفوس در سال 1390 نشان داد که 60/6 درصد خانوارهای کل کشور هسته‌ای شده‌اند؛ یعنی فقط زن و شوهر و فرزندان هستند. آن‌چه قبلاً به‌عنوان خانوار گسترده مطرح بود، یعنی زن و مرد و فرزندان و پدربزرگ و مادربزرگ فقط 3/8 درصد از خانوارها را تشکیل می‌دهد. انواع دیگری از خانوار هم وجود دارد مانند خانوار یا خانواده تک‌والد که 6/9 درصد را شامل می‌شود. نوع دیگر، خانوار زوجی با رقم 14/6 درصد است. خانوار تک‌نفره کسی است که به تنهایی زندگی می‌کند که ممکن است قبل از ازدواج یا بعد از طلاق و فوت همسر باشد که در این‌جا واژه خانواده معنی نمی‌دهد و از واژه خانوار استفاده می‌کنیم که 7/1 درصد است. خانواده‌های فرزندسرپرست 0/2 و خانواده‌ها یا خانوارهای زن‌سرپرست 12/1 درصد هستند. روند این تغییرات در طول زمان نشان می‌دهد که خانوارهای هسته‌ای با روند افزایشی روبه‌رو بوده است. در دهه 50 خانوارهای گسترده حدوداً 10 درصد بوده و الان کاهش پیدا کرده است و در دهه‌های گذشته خانوار زوجی کمتر بوده است. تمام این عوامل نشان می‌دهد تغییر و تحولاتی در ترکیب خانواده در حال وقوع است که از جهات زیادی حایز اهمیت است. خانوارهای زن‌سرپرست در سال 1345، 6/5 درصد بوده و در حال حاضر تقریباً دو برابر شده است. بنابراین با توجه به تحولات ایجاد شده در خانواده ایرانی که متاثر از عوامل داخلی همچون سیاست‌گذاری دولت و پیشینه‌های تاریخی، اجتماعی و شرایط اقتصادی و ارزشهای فرهنگی و نیز عوامل خارجی همچون جهانی شدن بر پیکره خانواده ایرانی می‌باشد، برخی تحولات خانواده را از منظر جمعیت‌شناختی بررسی می‌نماییم.

کاهش بعد خانواده

بعد خانوار عبارت است از تعداد کل جمعیت به تعداد کل خانوارها. خانواده‌های ایرانی دیگر به بزرگی گذشته نیستند. خانواده‌های تشکیل شده از حیث تعداد اعضا دچار تغییر و تحول بنیادی شده‌اند. سطح باروری، متوسط سن ازدواج و میزان طلاق از عواملی هستند که به طور مستقیم بر بعد خانوار تأثیر می‌گذارند و وضعیت اقتصادی خانوار و حرکت به سمت سالخوردگی از عوامل غیرمستقیم کاهش اندازه خانوار محسوب می‌شوند. نمودار زیر نشان می‌دهد که بعد خانوار از سال 1335 تا 1365 روندی افزایشی داشته و از 4/8 نفر در سال 1335 به 5/1 نفر در سال 1365 افزایش یافته است. از سال 1365 به بعد روند کاهشی بعد خانوار شروع شده و در سال 1390 به 3/5 نفر کاهش

یافته است. بنابراین امروزه در ایران خانواده ها به سوی کاهش تعداد فرزندان پیش می روند و انواع جدیدی از خانواده ها در حال ظهور است که در آنها فرزند وجود ندارد و یا به حداقل خود می رسد. چنین خانواده هایی در گذشته به صورت اختیاری در جامعه ایران وجود نداشته است اما سالیان اخیر خانواده ها به صورت تعمدی با تأخیر در فرزندآوری مواجه است.



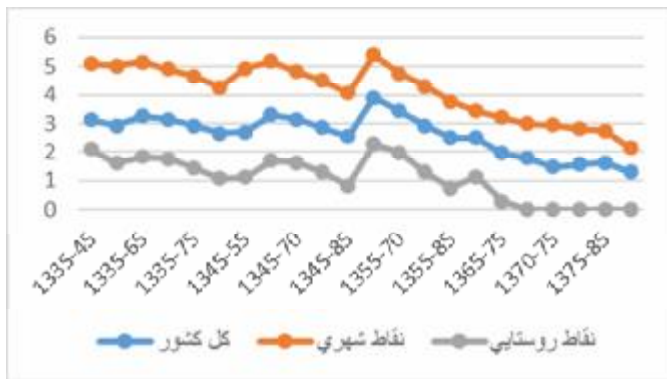
شکل شماره 7- بعد خانوار

کاهش نرخ باروری

طی سه دهه‌ی گذشته باروری به طرز چشم‌گیری کاهش پیدا کرد. علی‌رغم نوسانات باروری، داده‌ها حاکی از کاهش حیرت‌انگیز باروری طی سال‌های 1365-1375 می‌باشد، پدیده‌ای که از آن به معجزه‌ی جمعیت‌شناختی ایران تعبیر شد. این وضعیت سبب شد تا ایران طی سال‌های 2003-2006، به جرگه‌ی کشورهای بیبوند که دارای باروری در سطح یا زیر سطح جایگزینی بودند (اداره‌ی مدارک جمعیت 2006: 8-9). الگوی تغییرات باروری در ایران متفاوت از سایر کشورها و مناطق دنیاست. مطالعات عباسی شوازی و مک‌دونالد (2005) نشان داد که کاهش باروری در ایران به طور هم‌زمان در تمام مناطق جغرافیایی و گروه‌های سنی تولید مثل صورت گرفته است (حسینی چاووشی و همکاران 2007: 12). طبق آخرین بررسی‌ها در سرشماری سال 90

ترکیب خانواده‌ها برحسب تعداد فرزند در کل کشور 14/4 درصد بدون فرزند، 18/9 درصد تک‌فرزند بود که جمع آن می‌شود 33/3 درصد؛ یعنی یک‌سوم جامعه یا بدون فرزند یا تک‌فرزند هستند.

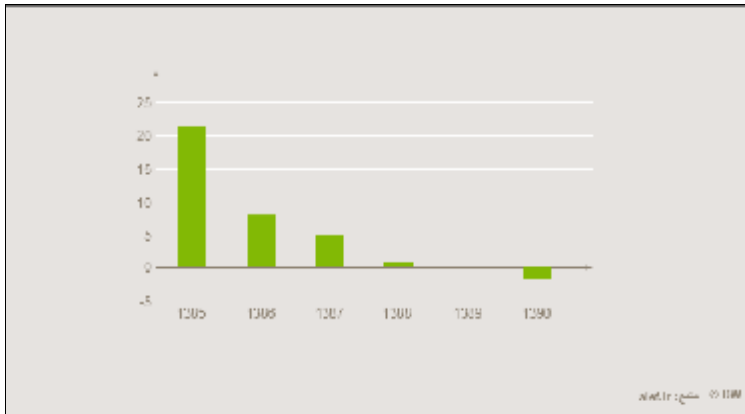
نکته مهم این است زمانی که این رقم را در دو نسل تقسیم می‌کنیم، 79 درصد متولدین قبل از 1350، حداقل سه فرزند داشتند و 82 درصد متولدین بعد از 1350، حداکثر دو فرزند. بنابراین فرزندآوری جنبه ناخواسته و اتفاقی بودن خود را از دست داده و به امری عقلانی، زمان مند و قابل برنامه ریزی تعدیل شده است که زمان و تعداد آن را زوجین آگاهانه تعیین کرده و تجربه خانواده‌های این را نشان می‌دهد که این برنامه ریزی به طور جدی میل به کاهش در تعداد فرزندان دارد.



شکل شماره 8- متوسط رشد جمعیت در کشور (درصد)

کاهش ازدواج

در ایران نیز شاهد روند کاهش ازدواج هستیم. در حالی که از سال 1390 برای نخستین بار رشد منفی نشان داد در سال 91 نیز ادامه یافت. ازدواج در سال 91 به میزان منفی 5/1 درصد رسید که این نسبت در نقاط روستایی 5/9 درصد بوده است. نمودار زیر بیانگر کاهش ازدواج است.

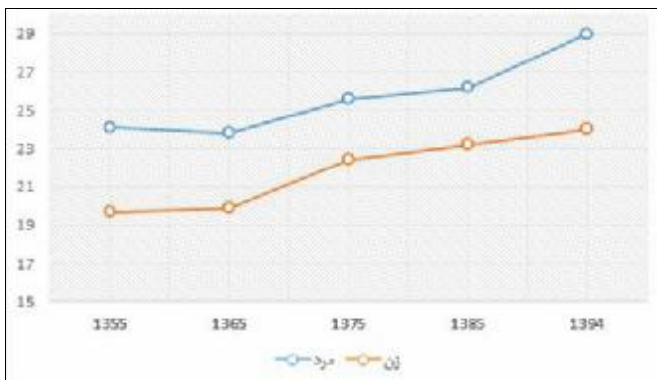


شکل شماره 9- درصد ازدواج

بالارفتن سن ازدواج و تجرد قطعی

در جامعه امروزی دیگر دختران و پسران در سنین پایین به خانه بخت نمی روند و «تاخیر سن ازدواج» امری عمومی شده است. جوانان به زندگی مجردی روی آورده اند که نشان دهنده تغییر الگوهای سنتی ازدواج است. طی نیم قرن اخیر در ایران، الگوی سنی ازدواج به ویژه در زنان، تغییرات قابل ملاحظه ای داشته است، به گونه ای که میانگین سن زنان در اولین ازدواج از 18/4 سال در سال 1345 به 23/4 سال در سال 1390 و برای مردان در همین دوره از 25 سال به 26/7 سال رسیده است. به عبارتی طی کمتر از نیم قرن اخیر، میانگین سن زنان در اولین ازدواج مردان، 1/7 سال افزایش یافته، در حالیکه این میانگین برای زنان، 5 سال افزایش داشته است. به بیانی دیگر، این افزایش برای زنان، در حدود 3 برابر مردان بوده است. نکته قابل توجه اینکه در هر دو منطقه شهری و روستایی در دهه های نخست، به ویژه در سال 1345، فاصله سنی ازدواج زنان و مردان زیاد بوده است. با گذر زمان، به تدریج میانگین سن مردان و زنان در اولین ازدواج به هم نزدیک شده و حدود 20 سال بعد، یعنی از سال 1365 به بعد از شدت همگرایی آن کاسته شده است. از آن زمان به بعد تا سال 1390، فاصله میانگین سن مردان و زنان در اولین ازدواج، تقریباً بطور یکنواخت تغییر کرده است. افزایش سن ازدواج زنان و روند کندتر افزایش سن ازدواج مردان، منجر به کاهش اختلاف سنی زوجین در هنگام اولین ازدواج شده است (فتحی، 1393: 8). آخرین سرشماری نشان می دهد 11 میلیون و 240 هزار نفر در سنین بالا هستند که هنوز ازدواج نکرده اند؛ یعنی

این افراد در سن متعارف ازدواج قرار دارند، اما هرگز ازدواج نکرده‌اند. گروه دیگر، کسانی هستند که از سن متعارف عبور کرده‌اند و قبل از سن مجرد قطعی قرار دارند (سن مجرد قطعی 50 سالگی است)، اما هنوز ازدواج نکرده‌اند. این گروه یک میلیون و 300 هزار نفر هستند که شامل 320 هزار مرد و 980 هزار زن می‌شود؛ یعنی زنان هرگز ازدواج نکرده بالای سن متعارف و قبل از مجرد قطعی، سه برابر مردان با این شرایط هستند. آن‌هایی که از سن 50 سالگی عبور کرده‌اند و هرگز ازدواج نکرده‌اند، 152 هزار نفر هستند که شامل 62 هزار مرد و 90 هزار زن است که زنان 1/5 برابر بیشترند. این آمارها نشان می‌دهد که اتفاقاتی در حال وقوع است که به نوعی احتمال مجرد در زنان (هم مجرد قطعی‌ماندن و هم عبور از سن متعارف ازدواج) را بنابر دلایلی بیشتر می‌کند (سازمان ثبت احوال کشور).

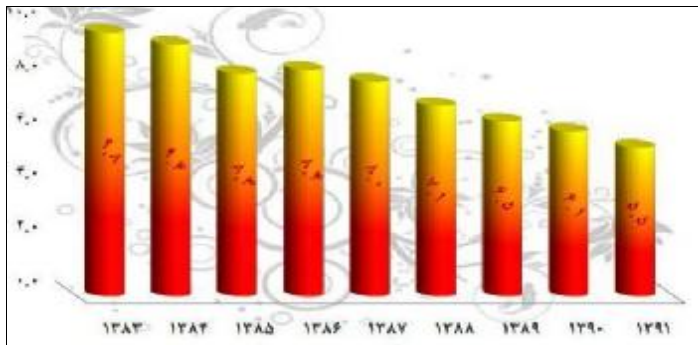


شکل شماره 10 - میانگین سن در اولین ازدواج در ایران به تفکیک جنس، مناطق شهری و روستایی 1335-1390 (درصد)

بنابراین تأخیر در گرایش به ازدواج در بین جوانان، منجر به ظهور گونه‌ی جدیدی از خانواده با کمترین بعد خانوار، یعنی یک نفر می‌شود. منظور خانواده‌های تک نفره‌ای است که اتفاقاً تعداد آنها نیز رو به افزایش است. خانواده تک نفری تشکیل شده از دختران و پسرانی که علی‌رغم سن مناسب ازدواج، تن به این امر نمی‌دهند. همچنین مجرد طولانی مدت، زمینه ساز آسیب‌های فردی و اجتماعی، همچون روابط نامشروع، همجنس‌گرایی، تنوع طلبی جنسی، عدم ارضای روحی و... می‌گردد. بر همین اساس می‌توان گفت این عامل در شکل‌گیری گونه‌های جدید خانواده در دنیای مدرن مؤثر است.

از هم گسیختگی، تزلزل پیوندهای زناشویی و افزایش طلاق

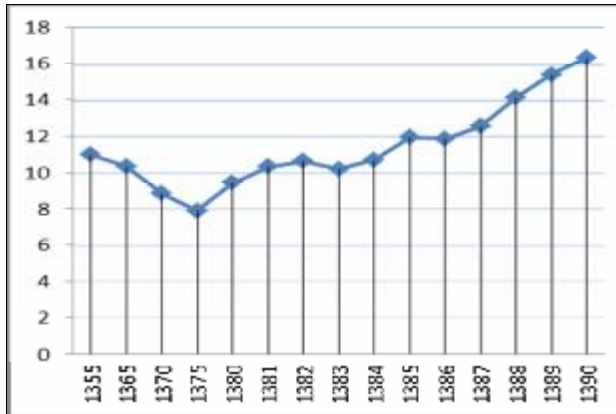
«امروزه دیگر نگرش های منفی نسبت به طلاق کاهش یافته و در مقابل پذیرش اجتماعی آن در جامعه و بین خانواده ها رو به افزایش است؛ تا جایی که بنا بر گزارشات، کشور در حال جابجا کردن رکورد های جهانی است و طبق برآوردهای غیررسمی به رتبه چهارم جهان صعود کرده است» (کلهر، 1392). طی سال های 1383 تا 1390 در مجموع 868 هزار و 312 زوج در ایران از هم جدا شدند. میزان طلاق در سال 91 نسبت به سال قبل 6 درصد افزایش یافت.



شکل شماره 11- روند نسبت ازدواج و طلاق های ثبت شده طی سالهای 1383 تا 1391

همان گونه که نمودار بالا نشان می دهد، شاهد کاهش نسبت ازدواج به طلاق در طی این سالها می باشیم به گونه ای که در سال 1391 به 5/5 رسیده است به این معنا که به ازای هر 5/5 ازدواج در این سال یک طلاق به ثبت رسیده است. این در حالی است که این نسبت در سال 1383، 9/8 بوده یعنی در ازای هر 9/8 ازدواج، یک به طلاق انجامیده است (سازمان ثبت احوال کشور، آمار رویدادهای حیاتی) آمار طلاق همواره از دهه 70 به بعد روندی افزایشی داشته است. در اوایل دهه 70 سالانه نهایتاً 30 هزار طلاق ثبت می شد. از اواسط دهه 80 از مرز 100 هزار عبور کرد و آخرین آمار نشان می دهد 163 هزار طلاق در سال 1393 ثبت شده است. در اوایل دهه 70، 6/3 درصد از ازدواج ها به طلاق می انجامید. این رقم در اواسط دهه 80 از مرز 10 درصد عبور کرد و نهایتاً در آخرین آمار سالانه در سال 93 به 22/6 رسید؛ به طوری که می توان گفت از هر

4/5 تا 5 ازدواج یک طلاق ثبت می‌شود. از سویی افزایش زنان مطلقه در جامعه باعث بروز مسائل عدیده در جامعه افزایش رفتارهای پرخطر و افزایش ریسک بیماری‌های مراقبتی می‌گردد.



شکل شماره 13- درصد طلاق به ازدواج در چهار دهه اخیر در ایران

بنابراین با توجه به جدول فوق می‌توان گفت نرخ طلاق در ایران طی سالهای قبل از 1375 همواره فراز و نشیب‌هایی داشته و مسیر ثابتی را طی نکرده اما از سال 1375 نرخ طلاق بطور یکنواخت در حال افزایش بوده است. طبق آمار سازمان ثبت احوال کشور در سال 1394، 14 درصد طلاق‌ها در یک سال اول زندگی زوجین رخ می‌دهد و 49 درصد طلاق‌های ثبت شده در کشور مربوط به پنج سال اول زندگی است و آمار طلاق در هر ساعت 18 مورد، روزانه 443 مورد و ماهانه 13 هزار و 593 مورد می‌باشد (سازمان ثبت احوال کشور).

افزایش زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های تک‌والد

بر اساس نتایج سرشماری عمومی و مسکن، سهم خانوارهای زن سرپرست از 6/5 درصد در سال 1345، به 12/1 درصد در سال 1390 افزایش یافته است. حتی دلایل افزایش زنان سرپرست خانوار نیز تغییر یافته و اگر زمانی به دلیل فوت همسر بود امروز

طلاق از جمله دلایل اصلی است. در کنار رشد کمی این پدیده، تغییرات کیفی در ویژگی های اجتماعی و اقتصادی سرپرست این گروه از خانوارها از قبیل ترکیب سنی، سطح تحصیلات و درآمد و فقر اقتصادی بخش قابل تاملی از این خانوارها، این موضوع را از پدیده اجتماعی طبیعی به موضوع اجتماعی از جنس آسیب تبدیل کرده است. آمارها نشان می دهد در بین خانوار های زن سرپرست تعداد کل خانوارهای تک نفره از 36/04 درصد خانوار در سال 1385 به 40/75 درصد در سال 1390 رسیده است.



شکل شماره 14 - سهم خانوارهای زن سرپرست در سالهای 1345 تا 1390 در کشور

نتیجه گیری و ارائه راهکار

جهانی شدن، یا کوچک سازی جهان و ایجاد دهکده جهانی، تحولات مناطق گوناگون جهان را به سرعت به سایر نقاط منتقل کرده است. تحولی که زمانی در دهه 1960 از اروپا و آمریکای شمالی شروع شده بود، در فرآیند گسترش تاریخی اش، امروزه، به آمریکای جنوبی و حتی آسیا نیز رسیده است؛ تحولاتی که ایران نیز از پیامدهای آن در امان نمانده است. قطعاً تغییرات جمعیتی بر ساختار خانواده ها در آینده تأثیر خواهد گذاشت. جهان ما به سمت جهانی پیر با افراد سالمند بسیار پیش می رود که دغدغه نگهداری و نیازهای خاص ایشان، بخش مهمی از دغدغه های خانوادگی خواهد بود. در اروپا تعداد افراد مسن 37 درصد و خیلی مسن 54 درصد جمعیت را تا سال 2030 تشکیل خواهد داد (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، 2008). بالا رفتن میزان امید به زندگی و کاهش مرگ و میر، از بزرگ ترین برآوردهای توسعه ای است که البته به افزایش جمعیت و مسن تر شدن آن نیز انجامیده است. اکنون حتی در کشورهای کمتر توسعه یافته در 50 سال گذشته، نرخ کلی مرگ و میر تا 60 درصد کاهش را نشان می دهد و از

6,2 کودک برای هر زن در دهه 1950 به 2,9 کودک برای هر زن در سال‌های 2000 - 2005 رسیده است (بخش جمعیت سازمان ملل، 2002).

از آنجایی که مکانیسم‌های اساسی جهانی شدن سطح بی سابقه‌ای از عدم قطعیت را در زندگی خانوادگی افراد بوجود آورده است و تعداد زیادی از تحقیقات نشان دادند که افراد هنگام ورود به تعهدات بلند مدت از جمله ازدواج و فرزند آوری، هنگام که در وضعیت اقتصادی نامعین هستند یا احساس می‌کنند نمی‌توانند تعهد بلند مدت داشته باشند به تعویق می‌اندازند (آداسرا، 2044؛ کرینفیلد، 2010؛ میلز و همکاران 2005). از سویی رشد تکنولوژی‌های جدید ارتباطی به عنوان ابزار جهانی شدن و جهانی شدن ارتباطات حیظه، سرعت و شدت ارتباط بین افراد را گسترش داده است، که باعث گسترش ارتباطات با افراد دیگر و نیز مقایسه اجتماعی می‌شود و با شیوه‌های نوینی از زندگی خانوادگی، همسرگزینی، ارزشها و روابط که در محیط خود کمتر رواج دارد، آشنا می‌شوند. از سویی به مدد اینترنت افزایش شیوه‌های نوین همسرگزینی اینترنتی و عشق از راه دور، تماس همسران دور از هم این طریق را به ارمغان آورده است که می‌توان با توجه به تاثیر جهانی شدن ارتباطات به عنوان ابزار جهانی شدن و نقش ارتباط مجازی در زندگی خانوادگی افراد، راه‌های جدید ایجاد انسجام خانواده را از این طریق بررسی نمود.

همچنین از طریق تغییرات ارزشی و هنجاری ناشی از جهانی شدن، در اشکال سنتی خانواده تغییراتی ایجاد شده و با تغییرات فرهنگی گسترده از جمله فردگرایی منجر به افزایش زندگی مشترک بدون ازدواج، طلاق، کاهش باروری و تمایل رو به رشد عدم فرزند آوری بوجود آمده است.

بنابراین می‌توان گفت: از لحاظ جهانی شاهد تغییرات آماری قابل توجه هستیم، با توجه به آنچه آمد شاهد تناقضات فرهنگی قریب الوقوع خواهیم بود: بالا رفتن سن ازدواج، فشارها را برای روابط جنسی پیش از ازدواج بالا می‌برد، زندگی مشترک بدون ازدواج مشاهده خواهد گردید، ترک خانه پدیدار خواهد شد، انعطاف‌پذیری نقش‌های جنسیتی و کاهش مردسالاری، نقش‌های خانواده و کار به طور فزاینده‌ای برای زنان باعث تعارض شده، رشد زندگی مجردی، تقاضا برای سرمایه‌گذاری در کودکان در حال رشد صورت پذیرفته، و بزرگتر کردن اندازه خانواده مشکل‌تر شده است، گسترش دوران بلوغ با نتیجه فشارهای اقتصادی در پدر و مادر، فشار بر روی والدین و نسل بعدی بالا

است، تعداد پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها بیشتر از نوه گردیده است و سالمندی جمعیت را به همراه داشته است.

اگر چه بررسی تجربی تاثیر فرایندهای سطح کلان همچون جهانی شدن در تغییرات خانواده ضروری است، عوامل محلی را نیز نباید از نظر دور داشت. جهانی شدن فقط نیروی خارجی نیست که بر ما اثر می گذارد بلکه ما نیز در آن سهیم هستیم و نسخه واحدی نیست و راه مواجهه با جهانی شدن در هر جامعه‌ای بر اساس پیشینه‌های تاریخی، اجتماعی و شرایط اقتصادی و ارزشهای فرهنگی، متفاوت از سایر جوامع است. بنابر این مقاومت فرهنگ‌های محلی و خانواده‌های ایرانی در برابر زوج زیستی، همجنس گرایی، تجربه روابط جنسی قبل و بعد از ازدواج و داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج نمونه مقاومت فرهنگ محلی و بومی (خانواده ایرانی) در برابر فشار جهانی شدن است. با توجه به آنچه آمد راهکارهای و پیشنهادهایی را می توان در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ارائه داد:

راه کارهای اقتصادی

- مهار معضل بیکاری در جامعه به عنوان علت مهم در شکنندگی خانواده ها، زیرا زمانی که خانواده‌ها مشکل معیشت و اقتصادی نداشته باشند به سمت مدنی شدن حرکت می کنند و به میزانی که معیشت دچار مشکل می شود مدنی شدن کند می شود
- ارائه سیستم آموزشی بازارمحور به عنوان کارآمدترین شیوه آموزشی، که در آن فرآیند آموزش مهارتها، تولید، بازاریابی و فروش به عنوان یک زنجیره به هم پیوسته متقاضیان اشتغال را مستقیما به بازار کار هدایت می کند که می تواند در توانمندسازی افرادی برای مقابله با چالشهای جهانی شدن اقتصادی و رشد بیکاری موثر واقع گردد
- فراهم نمودن زمینه های کسب و کارهای خانگی و حمایت از ایجاد مشاغل خانگی
- فراهم نمودن مشارکت اعضاء خانواده و به ویژه زنان در بازارهای بورس با توجه به گسترش روز افزون جهانی شدن اقتصادی و فرصت هایی که در دسترس افراد قرار می دهد
- حمایت اقتصادی از خانواده های آسیب پذیر بویژه فقیر و حاشیه نشین، از طریق توانمندسازی آنان و اعمال حمایت های مادی برای اشتغالزایی

-تغییر فرهنگ کارجویی به کار آفرینی و مهارت آموزی کلیه اقشار جامعه برای مقابله با چالشهای جهانی شدن اقتصادی و بیکاری موجود در جامعه.

راه کارهای اجتماعی

- بسط تعاملات دموکراتیک میان افراد خانواده، بازنگری در شیوه مدیریت خانواده، احترام به نظر اعضاء در امر ازدواج، جلوگیری از اعمال خشونت و زور، تقسیم وظایف بین اعضای خانواده، کاهش حجم وظایف زنان و ایجاد امکانات لازم برای مشارکت زنان و حذف کلیشه های جنسیتی
- کاهش فضای خالی بوجود آمده از طریق قطع و یا کاهش خدمات اجتماعی و بهداشتی و آموزشی توسط دولت، برای تحکیم خانواده ها از طریق مشارکت های موثر با NGO های فراملی، ملی، محلی و منطقه ای تا مشارکت بهتری برای رفع و تامین نیازهای خانواده ها ایجاد کنند
- توجه به خانواده ها از لحاظ حمایت از سالمندان به دلیل افزایش روز افزون سالمندان و با توجه به افزایش تجرد قطعی زنان و نیز عدم درآمد بیشتر زنان سالمند در کشور، اعمال سیاست های حمایتی از زنان سالمند و همچنین فراگیر شدن بیمه های اجتماعی و بازنشستگی برای کلیه افراد سالمندان با بهره گیری از حمایت منبع عظیم خانواده و قدرت فراگیر سایر نهادهای سنتی که عمدتاً غیردولتی هستند، می توانند امکانات وسیعی را فراهم نمایند
- حرکت به سمت برابری جنسیتی با برنامه ریزی آموزشی رسمی و غی رسمی و کمک به رواج گفتمان های انسان محور در جهت مقابله با نابرابری های جنسیتی.

راه کارهای فرهنگی

- برنامه ریزی برای منابع هویت ساز جدید در دستور کار برنامه ریزی های اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی قرار گیرد
- ضرورت شکل گیری الگویی از خانواده که ضمن سازگاری با دو مؤلفه هویتی جامعه ایران، یعنی دین و فرهنگ ملی، از توان جذب مؤلفه های جدید متناسب با تحولات اخیر نیز برخوردار باشد و بتواند با فراهم آوردن برخی قابلیتها، از مسائل اجتماعی در خانواده، پیشگیری نماید

- ارزشهای انسانی مشترک بین جهانی شدن و دین را کشف کرده و آنرا در راه حمایت از خانواده بکارگیریم که برای تبدیل این چالش به فرصت نیازمند سیاست گذاری فرهنگی و اجتماعی هستیم

راه کارها در حوزه سیاسی

- تدوین سیاست ها و قوانینی که در راستای حمایت از نهاد خانواده متناسب با تغییرات ایجاد شده باشد

- ارزیابی های پیوسته از برنامه های حمایت از خانواده ها و تاثیرات پیش بینی نشده و پایداری بلند مدت تغییرات رفتاری

- توسعه و حمایت از فضاهای پژوهشی خانواده محور

- ایجاد مرکز رصد شاخص های حوزه زنان و خانواده

References

- Abbasi-shavazi, M. J. (2000), Effect of Marital Fertility and Nuptality on Fertility Transition in the Islamic Republic of Iran, Working Paper in Demography.
- Ahmad, A.(2001), Postmodernism and Islam. Translator: F., Farahmandfar, Tehran: Sales, (In Persian).
- Albrow, M.(2001), Afternoon World wide. Translator: N., Salarzadeh, Tehran: Azad Andish, (In Persian).
- Albrow, M. K. (1990). Globalization, Knowledge and Society, Sage.
- Ameli, S. R. (2004). Globalization Concepts and Theories. Organon Quarterly, 24, (In Persian).
- Appadurai, A. (1996). Modernity at Large: Cultural Dimension of Globalization. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Azade Armaki, T.(2007), Iranian Family Sociology, Tehran: Sales, (In Persian).
- Behkish, M. M.(2002), Iran's economy in the context of globalization, Tehran: Ney, (In Persian).
- Castells, M. (2001), Information Age; Identity Power. Translator: H. Chavoshian, Tehran: New Tarh, (In Persian).
- Chil, D. (2009). Translator: Families in Today's World. Translator: M. M., Labibi, Tehran: Afkar, (In Persian).
- Cohlar, S.(2013), Endangered Iranian Family. Analytical News Society A, (In Persian).
- Comas, M. (1999), Globalization and regionalism. Translator: E., Mardani, Political & Economic Ettelaat, (In Persian).
- Dehshiri, M. R. (2014), The Conceptualization of Globalization, a Multi-disciplinary Approach to Globalization. Tehran: National Center for Globalization, (In Persian).

- Enayat, H., & Movahhed, M.(2003), Women and Family Development in the Age of Globalization.Women's Studies, 2, (In Persian).
- Foroutan, Y. (2014), now and the days of families with a divorce revolution. Accessible in: <http://www.demography.ir/Category/Population-Statics>, (In Persian).
- Gezelslfi, M. T.(2000), Globalization of confrontation or coexistence. Political & Economic Ettelaat, 155 & 156, (In Persian).
- Giddens, A.(2005), The Consequences of Modernity. Translator: M. Salasi, Tehran: Ney, (In Persian).
- Golmohammadi, A.(2010), Globalization of culture, identity. Terhran: Ney, (In Persian).
- Giddens, A. (2003), Sociology. Translator: M., Sabouri, Tehran: Ney, (In Persian).
- Held, D., & Anthony,M.C.G.(2002),Globalization/Anti Globalization. Polity.
- Hinse, J.(2002), Globalization and Political Culture in the Third World. Translator: D., Kiani, Tehran: Strategic Studies Research Center, (In Persian).
- Hoem, J. M., & Dora, K.(2008), Traces of the Second Demographic Transition in Four Selected Countries in Central and Eastern Europe: Union Formation as a Demographic Manifestation.
- Hold, D., & McGraw, A. (2003), Globalization and its opponents. Translator: E., Sabeti, Tehran: Ghoghnus, (In Persian).
- Hood, D., & McGraw, A.(2009), Theories of Globalization. Translator: M., Karbasian, Tehran: Cheshmeh, (In Persian).
- Hosseini-Chavoshi, M., Peter, M., & Abbasi Shavazi, M J.(2007), Fertility and Contraceptive Use Dynamics in Iran and its Low Fertility Regions, Australian Demographic and Social Research Institute (ADSRI), College of Arts and Social Sciences.

- Jalayipour, M. R. (2009), *Global Perspectives*, (In Persian).
- Kiernan, K.(2004), *Changing European Families: Trends and Issues. The Blackwell Companion to the Sociology of Families*.
- Lebibi, M. M.(2014), *Family in the 21st Century*, Tehran: Elm, (In Persian).
- Lesthaeghe, R., Lisa, N., & Surkyn, J.(2008), *Household Formation in the Second Demographic Transition in Europ and US: Insights from the Middle Range Model*.
- Ministry of Culture and Islamic Guidance. (2001), *Values and Attitudes of Iranians (First Wave)*, (In Persian).
- Nash, K. (2001), *Contemporary Political Sociology: Globalization, Politics and Power*. Translator: M. T., Delforuz & H., Bashiriye, Tehran: Kavir, (In Persian).
- Population Reference Bureaus. (2006), *World population data sheet, demographic data and the Estimates for the Countries and Regions on the World*.
- Robertson, R.(2001), *The Globalization of Social Theory and Global Culture*. Translator: K., Puladi, Tehran: Sales, (In Persian).
- Randel, W.(2002), *Transnational religious actors and international politics, religion and globalization and political culture*, (In Persian).
- Ritzer, G., & Goodman, D. J.(2014), *Mmodern Sociology Theory*. Translator: Kh., Mirzaei & A., Lotfizade, Tehran: sociologists, (In Persian).
- Ruchlin, A.(1991), *Rehumanizing Dialectic: Toward Understanding of the Interpenetration of Structure and Subjectivity*. *Curent Perspective in Social Theory*, 11, 255-269.
- Sarayi, H.(2008), *Second Population Transition; with a half look at Iran*. *Iranian Society of Demography*, 3,(In Persian).

- Seyyed nourani, S. M.(2000), Globalization, Developing Countries and Iran. Political & Economic Ettelaat, 155 & 156, (In Persian).
- Shekarbeygi, A.(2011), Modernism and Social Capital of the Family: Coming to the Family Sociology in Iran. Tehran: Sociologists (In Persian).
- Sideman, S.(2011), Conflict of opinion in sociology. Translator: H. Jalili, Tehran: Ney, (In Persian).
- Taghavi, Ni. A.(1999), Demographics. Tabriz: Society and Daniel, (In Persian).
- Turner, B.(2002), Orientalism, Postmodernism and Globalization. Translator: Gh. R., Kiani & MR., Tajik, Tehran: Center for Strategic Studies, (In Persian).
- Toffler, A.(1993), Third Wave. Translator: SH. D., Kharazmi, Tehran: New, (In Persian).
- Van de kaa, d. J (1987), Europe s Second Demographic Transition, Population Bulletin.
- Van de Kaa, D. J.(2002), The Idea of a Second Demographic Transition in Industrial Countries”, Paper presented at the Sixth Welfare Policy Seminar of the National Institute of Population and Social Security.
- Vilam, M.(2000) Reflection in the Concept of Governance: The Impact of Globalization on Governance. Political & Economic Ettelaat, Translator: E., Mardi Ghuci, 11 & 12, (In Persian).
- Waters, M. (2000), Globalization. Translator: S., Moridi, Tehran: Industrial Management Institute, (In Persian).
- Wick, J. (2006), Population. Translator: E. Mirzaei, Tehran: Higher Education and Research Institute of Management and Planning, (In Persian).

